

تهران

اولین و آخرین پیشنهاد

استالین برای دیدار بود

شبهه جاسوسی- تروریستی هیتلر در تهران

نقشه ربودن رئیس جمهور امریکا را داشت

والنتین برژکوف - ۱

مقدمه

ائتلاف ضد هیتلری در آغاز سال‌های ۴۰ ممکن شد و اتحاد نظامی و سیاسی سه قدرت بزرگ اتحاد شوروی، ایالات متحده و بریتانیای کبیر ادامه تحولات در اوضاع بین‌المللی در جنگ دوم جهانی بود.

این اتحاد بر خلاف همه مشکلات و اختلافات بر سر اهداف نهایی جنگ به یک ائتلاف نیرومند میان دول دارای نظام‌های اجتماعی متفاوت مبدل گردید و این خود امر پیروزی بر فاشیسم هیتلری را تسریع کرد.

در دوره ائتلاف ضد هیتلری مناسبات میان سه قدرت در سطوح مختلف، از قبیل دیپلوماسی، اقتصاد، فرهنگ و قبل از همه، در رشته نظامی تکامل یافت. ضمناً دیدارها و تماس‌های شخصی، از جمله، مکاتبه منظم عالی‌ترین رهبران اتحاد شوروی، ایالات متحده و بریتانیای کبیر در این تکامل نقش داشت. "ثلاثه بزرگ" (نامی که به سه قدرت بزرگ اطلاق شد) برای صدها میلیون نفر در سراسر جهان مترادف با امید به پیروزی و رهایی از فاشیسم هیتلری گردید.

دیدار تهران اهمیت ویژه‌ای داشت، بدون شك، شرکت کنندگان این دیدار از مسئولیتی که تاریخ برعهده آنان گذاشته بود آگاهی کامل داشتند. آنها از عهده مسائل پیچیده‌ای که در برابرشان قرار گرفته بود با انعطاف برای سازش معقولانه برآمدند. موافقت قابل قبول طرفین کار آسانی نبود، زیرا علاوه بر درک اهمیت یگانگی، اختلافات جدی و حتی علایم خصومت نیز میان طرفین وجود داشت.

انتخاب محل دیدار

پائیز سال ۱۹۴۳، نه تنها ملاحظات نظامی بلکه ملاحظات سیاسی نیز دیدار سه رهبر ائتلاف نظامی ضد هیتلری را ایجاب می‌کرد. لازم بود اقدامات بعدی مشترک در جهت پیروزی سریع‌تر بردشمن مشترک بررسی و هماهنگ شود و تبادل نظر پیرامون نظام جهان پس از جنگ صورت گیرد. با آنکه بر سر این دیدار تفاهم شده بود، بر سر محل کنفرانس همچنان اختلاف نظر وجود داشت. استالین ترجیح می‌داد کنفرانس نزدیک‌تر به خاک شوروی برگزار شود. او به این نکته استناد می‌کرد که عملیات جنگی در جبهه شوروی و آلمان اجازه نمی‌دهد که او درحالی‌که فرماندهی عالی جنگ را برعهده دارد، برای مدتی طولانی مسکو را ترک کند. روزولت، به نوبه خود، به قانون اساسی آمریکا اشاره می‌کرد که اجازه نمی‌داد او به عنوان رئیس جمهور برای مدتی طولانی واشنگتن را ترک کند.

برای اولین بار در مکاتبه رهبران شوروی و آمریکا یک پیشنهاد مشخص درمورد محل دیدار در پیام روزولت مورخ ۶ سپتامبر سال ۱۹۴۳ ارائه گردید. رئیس جمهور امریکا اطلاع داد که "دیدار می‌تواند در آفریقای شمالی باشد".

تقریباً همزمان با آن، چرچیل نیز به مسکو اطلاع داد که حاضر است برای این دیدار به قبرس یا خارطوم بیاید.

استالین در پیام مورخ ۸ سپتامبر خود به این دو، ایران را پیشنهاد کرد و دو روز بعد جواب چرچیل، مبنی بر اینکه "حاضر است به تهران بیاید" را دریافت کرد. مسئله حل نشده ماند زیرا روزولت از این پیشنهاد پشتیبانی نکرده و همچنان محل‌های مختلف دیگری را برای دیدار پیشنهاد می‌کرد. ۱۴ اکتبر روزولت به استالین نوشت که "قاهره از بسیاری لحاظ مناسب‌تر است و خارجی از محدوده قاهره، نزدیک اهرام، چند ویلا هست که می‌توان در آنها دیدار کرد. ضمناً در یکی از بنادر شرقی دریای مدیترانه نیز محل مناسبی وجود دارد به شرطی که هر یک از ما در کشتی‌های خود در محل حاضر شویم. اگر این پیشنهاد را می‌پذیرید ما می‌توانیم کشتی خوبی برای شما و هیئت شما در اختیاران بگذاریم تا کاملاً مستقل باشید و در عین حال بتوانید با ناوگان خودتان ارتباط مداوم داشته باشید. محل دیگری که می‌توانیم با هم دیدار سه‌جانبه داشته باشیم حوالی بغداد است. در آنجا می‌توانیم سه اردوگاه با تعداد کافی مأمورین امنیتی روسی، بریتانیایی و امریکایی را در اختیار داشته باشیم."

۱۹ اکتبر استالین پاسخ داد: "متأسفانه هیچ‌یک از محل‌های پیشنهادی شما را برای این دیدار مناسب نمی‌دانم و همچنان تهران را پیشنهاد می‌کنم. ضمناً موضوع امنیت در این مورد برای من مطرح نیست."

در پیام بعدی استالین شرحی از برنامه تعرض زمستانی نیروی شوروی ارائه داد. استالین توضیح داد که "همکاران من عقیده دارند که این عملیات مستلزم رهبری روزمره ستاد کل ارتش و ارتباط شخصی من با فرماندهی می‌باشد. در تهران می‌توان این شرایط را از طریق تلگراف و تلفن با مسکو تأمین کرد، در صورتی که سایر محل‌های پیشنهاد دارای این شرایط نیستند."

روزولت، یک هفته بعد بار دیگر پیامی فرستاد و پیشنهاد دیدار در تهران را رد کرد. او استدلال کرد که کوه‌های نزدیک پایتخت ایران به گونه ایست که ممکن است چند روز متوالی امکان پرواز را از ما بگیرد و در نتیجه، هواپیمایی که می‌بایستی اسناد مختلف را از واشنگتن به رئیس جمهوری برسانند ممکن است برای مدتی طولانی معطل شود. روزولت نوشت "توجه داشته باشید که برای پرواز هواپیماها تهران که در گودی قرار گرفته مناسب نیست. لذا با کمال تأسف باید به شما اطلاع دهم که نخواهم توانست رهسپار تهران شوم. دولت و رهبران قوه مقننه با حضور در تهران مخالف‌اند."

روزولت بصره را به عنوان یک محل دیگر دیدار پیشنهاد کرد با این محاسبه که یک خط تلفنی از تهران به آنجا کشیده شود.

این پیام را "کوردل هل" وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در بهار سال ۱۹۴۳ که برای هماهنگی کنفرانس سه‌وزیر امور خارجه وارد مسکو شده بود، تسلیم استالین کرد. استالین در پاسخ به "هل" اطلاع داد که استدلال رئیس‌جمهور آمریکا را فراموش کنید!

استالین در ادامه گفت: "البته روزولت می‌تواند در مورد امکان مسافرت به پایتخت ایران برای دیدار با نمایندگان اتحاد شوروی و بریتانیایی کبیر خود تصمیم بگیرد، ولیکن از جانب خودم باید بگویم که هیچ‌جایی را مناسب‌تر از تهران نمی‌بینم، وظایف فرماندهی عالی نیروی شوروی برعهده من گذاشته شده و این امر مرا مجبور می‌سازد بطور روزمره عملیات جنگی را در جبهه ما رهبری کنم. با این وضع برای من به عنوان فرمانده عالی جنگ امکان ندارد دورتر از تهران بروم. همکاران من در هیئت دولت معتقدند که در حال حاضر خروج من از اتحاد شوروی بخاطر پیچیدگی زیاد اوضاع در جبهه‌ها غیرممکن است..."

استالین سپس گفت که "ویاچسلاو مولوتوف" معاون اول وی در هیئت دولت یقیناً می‌تواند بجای وی در دیدار شرکت جوید و هنگام مذاکرات، طبق مفاد قانون اساسی شوروی، از تمام اختیارات رئیس دولت شوروی برخوردار است، در این صورت هیچ اشکالی در انتخاب محل دیدار وجود نخواهد داشت.

استالین در خاتمه گفت: " امیدوارم که این پیشنهاد قابل قبول طرف‌های ذی نفع باشد." این پاسخ قاطع استالین آشکارا وزیر امور خارجه آمریکا را غافلگیر کرد. "هل" گفت که بلافاصله پیشنهاد استالین را به اطلاع رئیس جمهور خواهد رساند و از طرف خود افزود که پیشنهاد آخر (اعزام مولوتوف) "باعث یاس" روزولت خواهد شد زیرا ایشان برای دیدار با شخص استالین اهمیت خاص قائل است. هل کاملا درک کرده بود که کنفرانس در محل دیگری غیر ای تهران با عدم شرکت استالین همراه خواهد شد. سرانجام امریکایی‌ها تهران را بعنوان محل برگزاری کنفرانس پذیرفتند. پیام روزولت به تاریخ ۸ نوامبر حاکی از همین امر بود.

بدون شك، مسکو روی این واقعیت که نیروهای شوروی مطابق قرارداد ۱۹۲۱ به منظور قطع فعالیت‌های خرابکاری و جاسوسی عمال هیتلری در ایران به قسمت شمالی ایران وارد شده و در آنجا مستقر بودند حساب می کردند. نیروهای انگلیس نیز وارد قسمت جنوبی ایران شده بودند و به این ترتیب حل مسئله تامین امنیت جانی شرکت‌کنندگان کنفرانس تهران آسان بود، اما مسئله دیگر فعالیت جاسوسی عمال مخفی نازی در تهران بود، که باید برای آن فکری می شد. در این ارتباط تصمیم گرفته شد کنفرانس در **محوطه سفارت شوروی** برگزار شود. عمارت اصلی که معمولا دفتر سفارت در آنجا بود برای اقامت روزولت رئیس جمهور آمریکا و برای هیئت نمایندگی شوروی اقامتگاه سفیر کبیر اتحاد شوروی در نظر گرفته شد. مسئله اقامت رئیس جمهور آمریکا برای مدت کار کنفرانس در سفارتخانه شوروی قبلا مورد مذاکره شرکت کنندگان دیدار تهران قرار گرفته بود. بالاخره این مسئله بر مبنای ملاحظات امنیتی مورد قبول واقع شد. ساختمان سفارت آمریکا در حومه تهران، و سفارتخانه‌های شوروی و انگلیس در مجاورت مستقیم یکدیگر قرار داشتند. کافی بود یک خیابان کوتاه به کمک سپرهای بلند مسدود شود و يك معبر موقت بین دو سفارتخانه ایجاد شود تا يك محدوده واحد بوجود آید. بدین ترتیب امنیت اعضای هیئت‌های نمایندگی شوروی و انگلیس تامین می‌شد، زیرا تمام محدوده حفاظ امنیتی پیدا می کرد. اگر روزولت در سفارتخانه آمریکا اقامت می‌گزید در آنصورت وي و سایر شرکت کنندگان دیدار مجبور می‌شدند روزی چند مرتبه از خیابان‌های تنگ تهران به محل مذاکرات رفت و آمد کنند. در این صورت احتمال می‌رفت عمال "رایش سوم" خود را در میان مردم جا داده و دست به عملیات تروریستی بزنند.

"مایکل ریلی" نماینده سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا در این نگرانی با سازمان مخفی شوروی شریک بود. او خاطرنشان ساخته بود که علیرغم همه تدابیر احتیاطی اتخاذ شده، هنوز نازها در تهران عده زیادی هوادار دارند، علاوه بر این، اطلاعاتی در دست بود مبنی بر اینکه سازمان جاسوسی هیتلری در تدارک برنامه ترور بودند. ۲۰ سال پس از کنفرانس تهران، "اتواسکورتزنی" که هیتلر مشکل‌ترین عملیات خرابکاری را به او محول می‌کرد تأیید نمود که وی از جانب هیتلر **ماموریت ربودن روزولت** را در تهران داشت. روزولت رئیس جمهوری آمریکا که پس از بازگشت از تهران، بدلیل اقامت در سفارت اتحاد شوروی با انتقاد محافل حکومتی و مطبوعات آمریکا قرار گرفته بود، در یک مصاحبه مطبوعاتی به تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۴۳ بیانیه ویژه‌ای صادر کرد مبنی بر اینکه بجای سفارتخانه آمریکا در سفارتخانه شوروی اقامت داشته زیرا استالین اطلاعاتی مربوط به توطئه آلمان به دست آورده بود. روزولت افزود که از قرار اطلاع مارشال استالین، احتمال می‌رفت يك توطئه به‌منظور سوءقصد به جان همه شرکت‌کنندگان کنفرانس صورت گیرد. رئیس جمهور اعلام داشت که احتمالا قریب صد جاسوس آلمانی در حوالی تهران به سر می‌بردند. روزولت افزود: "آلمان‌ها بسیار کوشیدند تا موقعی که ما از خیابان‌های تهران عبور می‌کردیم کار مارشال استالین، چرچیل و من را یکسره کنند زیرا سفارتخانه‌های شوروی و آمریکا با هم قریب ۱/۵ بیشتر کیلومتر فاصله دارند.

در اواخر نوامبر ۱۹۴۳ شرایط دیدار ژوزف استالین، فرانکلین روزولت و وینستون چرچیل در تهران فراهم آمد. (ادامه در شماره بعد)

هر يك از آنان نظریات خاص خود را در زمینه تاریخ گذشته و آینده بشر داشتند. هر يك آرمان‌ها و عقاید خود را داشتند، اما با وجود این، منطق مبارزه بر با برخلاف برضد بر رغم به مخالفت دشمن مشترك آنان را در تهران گرد هم آورد.

تاریخ دانان بسیاری تهران را اوج ائتلاف ضد هیتلری می‌پندارند. این پندار عادلانه به نظر می‌رسد، ولی راه منتهی به این نقطه اوج آسان نبوده است، از لحظه حمله هیتلر به اتحاد شوروی محافل حاکمه انگلستان و ایالات متحده خودداری از خود نشان داده و در اوایل چندان مایل نبودند با اتحاد شوروی در زمینه نظامی همکاری کنند. در حالی که دولت شوروی کوشش می‌کرد در اسرع وقت روابط هم پیمانی با قدرت‌های غرب برقرار نماید و این را ضامن مبارزه موفقیت‌آمیز علیه قدرت‌های "محور" فاشیستی تلقی می‌کرد، لندن و واشنگتن تنها تحت فشار واقعیات وارد عمل مشترك علیه دشمن مشترك می‌شدند. همین عمل مشترك بود که در نتیجه نهایی زمینه را برای همکاری انگلیس و آمریکا در سال‌های جنگ و تشکیل ائتلاف ضد هیتلری آماده ساخت.